

معمار شوک‌های اقتصادی

راهکار اقتصادی: فقط شوک ارزی
و آزادسازی قیمت‌ها

مقامات دولتها

بازخوانی انتقادات دکتر فرشاد مؤمنی
از دیدگاه‌های مسعود نیلی

امثال نیلی آبروی بازارگرایی را در ایران بردند

- طراحان برنامه اول توسعه به معجزه آسا بودن دستکاری نرخ ارز اعتقاد داشتند
- ضربه مهلک حامیان استقرار خارجی در دولت رفسنجانی
- آسیب‌هایی که نظام ملی و اقتصاد ایران از برنامه سوم دید از هیچ چیزی ندید
- دوسوم ۳۰ سال گذشته به طور انحصاری دیدگاه‌های امثال نیلی در کشور اجرا شد
- نیلی به مقامات دولتی می‌گوید شوک به ارز وارد کن تا رستگار شوی
- نیلی به تلویزیون آمد و از گرانی بنزین حمایت کرد
- نوشته‌های نیلی هیچ رفرنسی ندارد
- اظهارات دور از ادب نیلی
- سخنان نیلی متناقض است
- نیلی هیچ‌گاه مخالف افزایش نرخ ارز نبوده است
- اکثر پیش‌بینی‌های نیلی درست نبود

بازخوانی مقاله انتقادی دکتر عباس شاکری
از عملکرد و مواضع مسعود نیلی

آدرس‌های غلط و مسئولیت‌گریزی‌های رندانه

- از اتاق بازرگانی پول می‌گیرند و افزایش نرخ ارز را توجیه می‌کنند
- سیاست تعدیل اقتصادی صرفاً شوک درمانی بود
- مجریان شوک درمانی به ساخت بمب برای نابودی اقتصاد و جامعه می‌پردازند
- سیاست اشتباه استقرار خارجی در دولت رفسنجانی کار چه کسانی بود؟
- رشد مخرب تورم با ایجاد بانک‌های خصوصی در دولت خاتمی
- بیماری هلندی کار مبدعان تعدیل ساختاری بود
- تبانی بانک‌های خصوصی و برخی روزنامه‌های وابسته به مافیای
- بمب نقدینگی، بمب‌ساز و بمب‌گذار داشته است
- با شوک درمانی آقایان همه هستی مردم به یغما می‌رود
- نقش نیلی در پرش‌های ارزی
- بچه‌های مدرسه‌ای هم می‌دانند که تورم ناشی از شوک درمانی دولت است
- حمایت حلقه بالای اقتصادی دولت (روحانی) از افزایش

نرخ ارز



از شوک درمانی تا پوپولیسم؛ روایت عملکرد و مواضع مسعود نیلی

معمار شوک‌های اقتصادی

گزارش

سابقه نسخه‌های شوک‌درمانی

مسعود نیلی از اوایل دهه ۱۳۷۰ در تدوین برنامه‌های اول و دوم توسعه و سپس در سازمان برنامه و بودجه نقش داشت. او از مدافعان اقتصاد بازار، آزادسازی قیمت‌ها، خصوصی سازی و کاهش مداخله دولت در اقتصاد بود و بعدها نیز همین رویکرد را در آثار و سخنرانی‌های خود دنبال کرد. میان مواضع رسانه‌ای نیلی و توصیه‌هایی که در دهه‌های گذشته به دولت‌ها در زمینه اقتصاد ارائه کرده، کاملاً تفاوت وجود دارد. نیلی از تدوین کنندگان برنامه چهارم توسعه بود که از آن به عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد آزادسازی قیمت‌ها در ایران یاد می‌شود و در آن پیشنهاد همگرایی قیمت حامل‌های انرژی با قیمت‌های جهانی را در خود داشت؛ سیاستی که بعدها به عنوان یکی از مصادیق «شوک‌درمانی» مورد انتقاد قرار گرفت.

انتقاد نیلی از رودست احمدی‌نژاد

البته در جریان روزهای منتهی به انتخابات سال ۱۳۸۸ پس از آن که احمدی‌نژاد به کروی بی رودست زد و طرح یارانه نقدی خود را رو کرد، نیلی به شدت از احمدی‌نژاد انتقاد کرد. بد نیست مواضع آن روز نیلی را بخوانیم: ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۸ مسعود نیلی طراح ایده «مردمی کردن درآمد نفت» از طریق توزیع سود سهام نفت میان مردم، طرح جدید احمدی‌نژاد مبنی بر توزیع سود سهام نفت میان تمام ایرانیان از طریق انتشار اوراق مشارکت را تنها یک شیوه تأمین مالی پروژه دانست که قبلاً نیز درباره پروژه‌های سد، راه‌سازی و نیروگاه به اجرا درآمده است.

مسعود نیلی، رئیس دانشکده اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف در واکنش به طرح جدید

برش

اظهارات اخیر مسعود نیلی درباره حذف بودجه نهادهای فرهنگی و مذهبی، بار دیگر نام او را به صدر مباحث اقتصادی و سیاسی کشور آورده است. چارسوق با مرور سوابق و مواضع سه دهه گذشته نیلی، تلاش می‌کند نشان دهد چرا منتقدان، نیلی را بیش از آنکه یک اقتصاددان دانشگاهی بدانند، چهره‌ای سیاسی با ادبیاتی پوپولیستی می‌دانند؛ فردی که از برنامه‌های آزادسازی قیمت‌ها و شوک‌های اقتصادی تا مواضع رسانه‌ای امروز، همواره در کانون مناقشات سیاست‌گذاری اقتصادی ایران قرار داشته است.

مسعود نیلی اخیراً یک اظهار نظر پوپولیستی را طرح کرده و گفته که بودجه نهادهایی که خدمات عمومی نمی‌دهند قطع شود که منظور وی همان بحث تکراری اصلاح طلبان در سال‌های اخیر درباره بودجه مؤسسات مذهبی و فرهنگی است. این اظهار نظر نیلی که مدعی استادی اقتصادی و نگاه کارشناسی به مسائل است، کاملاً سیاسی و پوپولیستی است چرا که نیلی می‌داند مجموع بودجه نهادهای مذهبی و فرهنگی کمتر از یک درصد کل بودجه کشور است و اگر همه بودجه این نهادها هم حذف شود، پول یک ماه یارانه مردم هم تأمین نخواهد شد. به بهانه این اظهار نظر پوپولیستی نیلی به بررسی عملکرد و مواضع وی در دهه‌های اخیر پرداخته‌ایم و نشان داده‌ایم که او یک اقتصاددان پوپولیست است، نه یک کارشناس و استاد علمی و آکادمیک.

رویکرد زننده

در سال‌های اخیر، مسعود نیلی بیش از آنکه در قامت یک اقتصاددان دانشگاهی ظاهر شود، به عنوان چهره‌ای سیاسی و رسانه‌ای شناخته شده است؛ چهره‌ای که اظهار نظرهایش بیش از آنکه بر تحلیل‌های دقیق اقتصادی استوار باشد، رنگ‌بوی منازعات سیاسی و جلب افکار عمومی را به خود گرفته است.

تازه‌ترین اظهارات او درباره بودجه نهادهای فرهنگی و حوزوی نیز از همین منظر مورد نقد قرار گرفته است. نیلی با برجسته‌سازی بودجه این نهادها، این تصور را القا می‌کند که حذف آنها می‌تواند بخش مهمی از مشکلات اقتصادی کشور را حل کند؛ در حالی که با یک مقایسه ساده روشن می‌شود مجموع بودجه این نهادها، سهم بسیار کوچکی از بودجه عمومی کشور را تشکیل می‌دهد و حتی پاسخگوی هزینه‌هایی مانند اجرای یک ماه طرح کالابرج یا واردات یک هفته بنزین هم نیست.

یک اقتصاددان حرفه‌ای باید ابعاد واقعی ارقام را برای افکار عمومی تبیین کند، نه اینکه با تمرکز بر اعدادی که سهم اندکی در ساختار بودجه دارند، تصویری اغراق‌آمیز از منشأ مشکلات اقتصادی ارائه دهد. این شیوه بیشتر به رفتار سیاستمداران پوپولیست شباهت دارد تا اقتصاددانانی که وظیفه‌شان تحلیل علمی واقعیت‌هاست.

فروش اوراق مشارکت وجود دارد؟

وی در توضیح بیشتر این مطلب افزود: «اوراق مشارکت با سهام دو چیز متفاوت است. در اوراق مشارکت، بر اساس قانون، منابع مالی یک پروژه مشخص تأمین می‌شود و پس از اتمام پروژه، اصل و سود آن از محل سرمایه‌گذاری به مردم بازگردانده می‌شود. این در حالی است که در این روش چیزی به مردم منتقل نمی‌شود. نیلی ادامه داد: «اما در روش من که توزیع ثروت به جای پول است، دارایی به مردم منتقل می‌شود.»

این اقتصاددان با تأکید بر اینکه طرح ارائه شده از سویی وی به هیچ وجه پوپولیستی نیست، خاطرنشان کرد: «طرح من اصلاح ساختار در نظام یارانه‌ها و نیز اصلاح ساختار در روابط میان دولت و مردم را هدف قرار داده و به هیچ وجه یک طرح پوپولیستی نیست که در آشفته‌بازار انتخابات که از طرفی موقعیتی برای طرح ایده‌های جدید و از سویی فرصت برای بهره‌برداری‌های نامناسب است، به مزایده گذاشته شود.»

وی در پایان یادآوری کرد که طرح احمدی‌نژاد برای توزیع سود نفت از طریق فروش اوراق مشارکت یک شیوه تأمین مالی پروژه است که قبلاً هم در مورد پروژه‌های راه و ترابری، نیروگاه‌ها و سدها بارها به اجرا درآمده و مردم اوراق مشارکت را خریداری کرده و پول آن را

طبق ضمانت دولت دریافت می‌کنند و این طرح هیچ نکته جدیدی نداشته و ارتباطی نیز با طرح من ندارد.

نخربه دهه ۹۰: از زمن سیاست‌های پیشنهادی

با شروع دولت حسن روحانی، مسعود نیلی طراح سیاست‌های اقتصادی او شد و سمت دستیار اقتصادی رئیس دولت را بر عهده گرفته.

بخشی از سیاست‌های مورد حمایت نیلی در دولت روحانی به اجرا درآمد. از جمله آزادسازی نرخ سود بانکی، محدودسازی پایه پولی و اتکا به مکانیسم بازار برای تعیین نرخ بهره. نتیجه عملی این سیاست‌ها افزایش شدید نرخ‌های بهره حقیقی، کاهش سرمایه‌گذاری، تشدید ناترازی بانک‌ها و تبدیل نرخ سود به یکی از عوامل رشد نقدینگی بود؛ پیامدهایی که آثار آن بر اقتصاد ایران سال‌ها باقی ماند.

در این دوره، نیلی بارها بر ضرورت اصلاح قیمت حامل‌های انرژی، اصلاح نظام بانکی، حذف قیمت‌گذاری‌های دستوری، کاهش یارانه‌های پنهان و حرکت به سمت اقتصاد رقابتی تأکید کرد. منتقدان اما معتقدند اجرای بخشی از این سیاست‌ها هم‌زمان با رکود، تحریم و مشکلات ساختاری اقتصاد، موجب افزایش فشار بر تولید و معیشت خانوارها شد.

در آبان ۱۳۹۷ و هم‌زمان با تشدید بحران ارزی و افزایش نرخ تورم، مسعود نیلی از سمت دستیار ویژه اقتصادی رئیس‌جمهور کناره‌گیری کرد. این استعفا در شرایطی رخ داد که دولت روحانی با یکی از سخت‌ترین بحران‌های اقتصادی خود مواجه بود. نیلی بعداً مدعی شد که از یک سال قبل استعفا داده بوده و به خاطر شرایط بحرانی از دولت خارج نشده است.

مسئولیت ناپذیری

یکی دیگر از محورهای انتقاد به نیلی، نحوه مواجهه نیلی با نتایج سیاست‌های اقتصادی گذشته است. او در سال‌های اخیر تلاش کرده مسئولیت بسیاری از پیامدهای سیاست‌هایی را که خود در طراحی یا حمایت از آنها نقش داشته، نپذیرد و میان دیدگاه‌های نظری خود و نتایج اجرایی فاصله ایجاد کند.

سابقه

پوپولیسم نفتی

نیلی با این که در ظاهر خود را اقتصاددان ضد سیاست‌های پوپولیستی معرفی می‌کند، در دهه ۸۰ و در زمان انتخابات سال ۱۳۸۸ ایده‌ای را به مهدی کروبی ارائه کرد که طبق آن وعده یارانه ۷۰ هزار تومانی به مردم داده شد. ایده توزیع درآمد‌های نفتی میان مردم در ماه‌های منتهی به انتخابات ۱۳۸۸ از طرح‌هایی بود که نام نیلی با آن گره خورد. کروبی در سخنان انتخاباتی خود اعلام کرد که یارانه ۷۰ هزار تومانی را با مشورت نیلی تهیه کرده است.

نیلی بارها بر ضرورت اصلاح قیمت حامل‌های انرژی، اصلاح نظام بانکی، حذف قیمت‌گذاری‌های دستوری، کاهش یارانه‌های پنهان و حرکت به سمت اقتصاد رقابتی تأکید کرد. منتقدان اما معتقدند اجرای بخشی از این سیاست‌ها هم‌زمان با رکود، تحریم و مشکلات ساختاری اقتصاد، موجب افزایش فشار بر تولید و معیشت خانوارها شد.



